



عکس: الجزیره

رسوایی لیبرال دموکراسی در آزمون فلسطین

فلسطین، ملاک انسانیت

تحلیل

مرتضی روحانی

دکترای فلسفه دین

این روزها مطبوعات پر از اخبار و تحلیل‌هایی پیرامون مسأله فلسطین، تحلیل‌های تاریخی، سیاسی، الهیاتی و جامعه‌شناختی است. همه سخن از این می‌گویند که ماجرا از هفت‌اکتبر شروع نشده است و قصه را باید از ابتدا دید. از این سخن می‌گویند که اسرائیل زاینده اروپا و آمریکاست و به همین دلیل هم آنها تمام‌قد پشت‌سر آن ایستاده‌اند. نخبه‌تراها به تحریف سازمان‌یافته تاریخ توسط صهیونیسم اشاره می‌کنند، به اینکه صهیونیست‌های مسیحی خطرناک‌تر از متاپان یهودی خودشان هستند. همه توضیح می‌دهند که فلسطین چاره‌ای جز مقاومت ندارد و کار از مراحلی دیپلماتیک عبور کرده است. توضیح می‌دهند که اسرائیل کمرهمت به حذف فلسطین از نقشه جغرافیای بسته و این یعنی هیچ راهی جز مقاومت باقی‌نمانده است و در این میان برخی هم علاقه دارند که این جنگ را به جنگ اخراج‌زمانی گره بزنند؛ توضیح بدهند که این نبرد تنها یک نبرد نظامی بین حماس و متجاوزان صهیونیست نیست بلکه نبرد برای ارزش‌ها و آرمان‌هاست. این سخنان درست، اما آبی می‌نویسند. درباره این مسائل با دیگرانی که از رفتار و عملکرد صهیونیست‌ها دفاع می‌کنند «گفت‌وگو» کرد؟

گفت‌وگو با چه کسی بر سر چه چیزی؟

اما آیا فلسطینیان از این حقوق بهره‌مندند؟ برای پاسخ به این سؤال ساده لازم نیست که تاریخ فلسطین را خوانده باشیم و خود را مشغول به کتب کنیم بلکه هر وجدان آزاده‌ای که تنها چند قطعه فیلم از فجایع این روزهای غزه را دیده باشد به این سؤال پاسخ واضحی می‌دهد. متأسفانه نه، فلسطینیان سال‌هاست که از کمتر از اینها هم بهره‌مند نیستند. خب حال یاب چه کنیم؟ باید بنشینیم و با صهیونیست‌ها و طرفداران‌شان پر سر دستپاچی به این حقوق اولیه بحث و گفت‌وگو کنیم؟ اگر بخوایم از موضعی به ظاهر اخلاقی و با پُر خوشن‌پر هیزی خرابی دهیم باید بگوییم بله، گفت‌وگو همیشه راهگشاست؛ اما جدای از آنکه تاریخ جهان و خصوصاً تاریخ کشورهای آسیای و آفریقایی نمونه بارز نقض ایده راهگشایی گفت‌وگو است، ما مشکل دیگری هم داریم. مسأله این است که بر سر اصول اولیه نمی‌توان با کسی گفت‌وگو کرد. این اصول اولیه بنیادهایی هستند که گفت‌وگو بر آنهاست و در نهایت به موفقی واحد می‌رسند. در فلسفه این اصل اولیه همان اصل «وجود جهان» است. آغاز گفت‌وگو فیلسوفانه دقیقاً از جایی شروع می‌شود که طرفین وجود جهان و امکان علم اجمالی به آن را مفروض می‌گیرند. لذا گفت‌وگوهایی که درصدا اثبات جهان خارج می‌شود به واقع گفت‌وگویی پیشافلسفی‌اند که درصدا اثبات موضوع فلسفه هستند. اینها گفت‌وگوهایی مقدماتی‌اند تا کار را به موضوع اصلی برسانند. اما در موضوع بحث ما، یعنی فجایع رده‌ده در فلسطین، باید چه چیزی را به عنوان اصول مسلم و لایتخلف گفت‌وگو در نظر بگیریم و بر اساس آن با صهیونیست‌ها و مدافعان‌شان صحبت کنیم؟

به کدام برای یک گفت‌وگوی سیاسی بد نباشد که به اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان اعلامیه مادر و میثاق

حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان دو دخترش نگاه بیندازیم. (حق حیات ۲) حق برخورداری از امنیت ۳) حق عدم شکنجه و رهایی از رفتارهای ظالمانه و خلاف شئون بشری ۴) حق برخورداری از شخصیت انسانی ۵) حق رهایی از توفیق، حبس یا تبعید خودسرانه ۶) حق برخورداری از دادرسی منصفانه و مستقل ۷) حق عبورورود آزادانه ۸) حق بهره‌مندی از مالکیت ۹) حق تعیین سرنوشت ۱۰) حق بهره‌مندی از آزادی در امور خصوصی خانوادگی، انتخاب آگاهانه، مکاتبات و منع مداخله خودسرانه در این امور ۱۱) حق دسترسی به غذای مناسب و آب آشامیدنی ۱۲) حق دسترسی به مسکن مناسب و درخور شأن انسانی ۱۳) حق سلامت و بهره‌مندی از مراقبت‌های بهداشتی و درمانی ۱۴) حق برخورداری از امنیت اجتماعی ۱۴) حق برخورداری از شغل مناسب، به‌عزم نویسندگان این اعلامیه‌ها، اینها حقوق اولیه‌ای هستند که هر کس قدم به این دنیا گذاشته است فارغ از رنگ و نژاد و جغرافیا و... باید از آنها بهره‌مند باشد.

گفت‌وگویی که نه ممکن است و نه اخلاقی

به‌گمان من نه اخلاقی است. ممکن است چون مستلزم نانسان‌انگاری یکی از طرفین گفت‌وگو است و اینها مستلزم نماندن طرفین است. درحالی که هر گفت‌وگویی فرع بر مفروضی است و مفروض آنست که طرفین گفت‌وگو انسان‌اند. درحالی که هر گفت‌وگویی فرع بر مفروضی است. مشارکت در گفت‌وگویی که لازمه‌اش سلب انسانیت از دو میلیون انسان اهل غزه است با هیچ‌کدام از معیارهای اخلاقی نمی‌خواند. می‌گویند شیخ ابوالحسن خرقانی بر سر در خانقاه خود نوشته بود: «هر کس که در دین سر را درآید نانش دهد» و از امانت‌ش می‌رسید، چه آن کس که به درگاه برای تعالی به جان آرد، البته بر خوان ابوالحسن به نان آرزو»، اما چه باید کرد که در نگاه صهیونیست‌ها آن کس که به درگاه الهی به جان آرزیده به همین دلیل است که بی‌اوقات لاینت وزیر جنگ رژیم صهیونیستی بدون هیچ شرم و خجالتی در کنفرانس ویژه خبری می‌گوید: «بقر، غذا و سوخت وجود نخواهد داشت، همه چیز بسته است، زیرا ما در حال مبارزه با حیواناتی انسان‌نما هستیم و بر اساس آن عمل می‌کنیم.»

البته این نگاه خیلی هم از دیگر مردمان جهان دور نیست چرا که یوآل نوح‌هراری نویسنده اسرائیلی- صهیونیستی کتاب شبه‌علمی «انسان خردمند» در کتاب خود می‌نویسد: «احتمال دارد که ساکنان امروزی اوراسیا، انسان‌های خردمند خالص نباشند، بلکه ترکیبی از انسان‌های خردمند و نئاندرتال‌ها باشند.» اگر انسان‌های خردمند و نئاندرتال‌ها باشند چرا گمان کنیم که اینچنین تئوری‌های نژادپرستانه‌ای می‌تواند از دیگر مردمان جهان دور باشد؟

حقوق اولیه مردم فلسطین محل گفت‌وگو نیست

من گمان می‌کنم در جایی که ظلم به صورت مداوم و مکرر با برنام‌ریزی پیشینی و به صورت هدفمند به غرض اجبار فلسطینیان به ترک سرزمین‌شان سازمان یافته است و صرفاً به صورت فردی

این بررسی نه از آن جهت است که بتوانیم حقوق اولیه فلسطینیان را از طریق گفت‌وگو به ایشان برگردانیم که این مهم، جز با مقاومت فراهم نمی‌شود، چرا که مولایمان امیرالمؤمنین فرمودند: «و لا یدزکر الحق الا بالجد»، بلکه از این جهت است که چنین بحرانی چگونه ممکن شده است و چگونه باید از وقوع مجدد آن جلوگیری کرد.

چگونه در برابر همه این فجایع سکوت شده است؟

برای اینکه به این پرسش جواب دهیم باید کمی زاویه دیدمان را بازتر کنیم و علاوه بر نوع برخورد اسرائیل با فلسطینیان به زمان‌ها و مکان‌های دیگری هم برویم و مثلاً رفتار فرانسوی‌ها در الجزایر، انگلیسی‌ها در هند، پرتغالی‌ها در آنگولا، بلژیکی‌ها در کنگو و رفتار مهاجرین اروپایی با بومیان آمریکا و استرالیا، آپارتاید آفریقای جنوبی، یمن و... را بررسی کنیم. مسأله به نظر کمی جدی‌تر و بزرگ‌تر از آن چیزی است که در ابتدای امر به نظر می‌رسد. چگونه در برابر این همه فجایع سکوت شده است؟ چگونه ممکن است در برابر جنگ اوراکرین آن‌همه سروصدا به راه بیندازند اما در مورد کودکان یمن و فلسطین سکوت محض اختیار کنند؟ نکته مهم آن است که بدانیم این نه اولین سکوت جوامع بین‌المللی است و به احتمال زیاد به آخرینش. به عنوان مثال، در سال ۱۹۸۳ مقرر شد ادوارد سعید به عنوان مشاور سازمان ملل کنفرانسی جهانی برای رسیدگی به مسأله فلسطین برگزار کند.

در آن زمان تصمیم گرفت که با همکاری ژان مور نماینده عکسی از وضعیت اوراکرین فلسطینی در ورودی سازمان ملل برپا کنند. سازمان ملل این نمایشگاه را به آن شرط پذیرفت که هیچ‌گونه داستان و روایتی در کنار سها وجود نداشته باشد. سعید درباره آن اتفاق در کتاب فراتر از آسمان می‌گوید: «وقتی یای حقی و حقوق مردمانش که امروزه توسط رژیم صهیونیستی به صورت سیستماتیک نقض می‌شود اصلاً محل گفت‌وگو نیست. این اصول حقوق اولیه‌ای هستند که تمامی گفت‌وگوها در ساحت سیاست و اجتماع بر آنها استوارند. اینها پایه‌های استوار و پشتوانه‌های محکم گفت‌وگو هستند که گفت‌وگو بر آنها بنا می‌شود و به آنها پشتگرم است، نه موضوع گفت‌وگو.

اسرائیل: تهدیدی برای کل بشریت

آن اتفاقی که امروز در فلسطین در حال وقوع است، تهدید تمام پایه‌های گفت‌وگو و حیات است و دقیقاً به همین دلیل است که به‌هیچ‌وجه محل چانه‌زنی نیست. اینها مستلزم نماندن طرفین است. درحالی که هر گفت‌وگویی فرع بر مفروضی است. مشارکت در گفت‌وگویی که لازمه‌اش سلب انسانیت از دو میلیون انسان اهل غزه است با هیچ‌کدام از معیارهای اخلاقی نمی‌خواند. می‌گویند شیخ ابوالحسن خرقانی بر سر در خانقاه خود نوشته بود: «هر کس که در دین سر را درآید نانش دهد» و از امانت‌ش می‌رسید، چه آن کس که به درگاه برای تعالی به جان آرد، البته بر خوان ابوالحسن به نان آرزو»، اما چه باید کرد که در نگاه صهیونیست‌ها آن کس که به درگاه الهی به جان آرزیده به همین دلیل است که بی‌اوقات لاینت وزیر جنگ رژیم صهیونیستی بدون هیچ شرم و خجالتی در کنفرانس ویژه خبری می‌گوید: «بقر، غذا و سوخت وجود نخواهد داشت، همه چیز بسته است، زیرا ما در حال مبارزه با حیواناتی انسان‌نما هستیم و بر اساس آن عمل می‌کنیم.»

چنین فاجعه‌ای چگونه در قرن بیستم ویکم ممکن شد؟

اما در این میان اگر گفت‌وگویی وجود دارد نه بر سر بحران فلسطین و گرفتن حقوق اولیه فلسطینیان، بلکه بر سر این است که چنین فاجعه‌ای چگونه در قرن بیستم ویکم ممکن شد؟ ما باید به مانند «کانت» که معتقد بود پیش از ورود به هر علمی باید با منطق استعلایی شرایط امکان و تحقق آن علم را بررسی کرد، به این نکته بیندیشیم که چگونه چنین فاجعه‌ای نه تنها ممکن بلکه محقق شده است؟

حقوق بشر به کار می‌آیند و نه آرمان‌های اسلامی؟ چگونه ممکن است که سران کشورهای اروپایی که کباده‌کش حقوق بشر و آزادی هستند این چنین عریان در کنار ظلم سیستماتیک بایستند؟ چگونه است که فلسطین که به تعبیر خود سعید، گرانبه‌ای ملی گرایی عرب‌هاست، این روزها دیگر رگ عصبیت بسیاری از حکام عرب را هم نمی‌جنباند؟ چرا حقوق بشر که قرار بود سد دفاعی در مقابل ظلم و بیداد باشد به بزرگ ایدئولوژیک استعماری نو تبدیل شده؟ پاسخ اگرچه کوتاه و در ابتدای امر ساده به نظر می‌رسد ولی بیش از یک کلمه نیست: «منافع مادی!» این روزها مردم جهان فهمیده‌اند که «تصمیم‌گیران امور بشردوستانه که مستخدم حکومت‌ها و نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی هستند، بسیار پیش از سایر هم‌زمان‌شان با سلطه‌گری همراه شده‌اند. وکلای بشردوست و مأموران مردم‌نهاد کاملاً در طراحی و اجرای جنگ‌ها دست دارند. آنها مانند فرماندهان نظامی قدرت را وسیله رسیدن به اهداف می‌بینند و کارآمدی ابزار قواعد اخلاقی و قانونی را اسبک و سنگین می‌کنند. زبان مشترک بشردوستان و نظامیان را در سنجنش افعال، بده‌بستان‌ها و سنجنش عواقب متحد می‌کند.» به همین دلیل هم مردم راه خود را از گفت‌وگوهای دیپلماتیک جدا کرده‌اند. آنها می‌دانند که از راه این گفت‌وگوها نه‌تنها جانی حفظ نمی‌شود، بلکه بیشتر دولت‌هایی که در جنگ‌ها و اشغال‌ها تابع آمریکا بوده و هستند قبلاً خود امپراطوری‌هایی بزرگ بوده‌اند و در اداره پایگاه‌های فرامری استعماری سابقه‌دار و کارگشته‌اند.

وظیفه لیبرال دموکراسی امریکایی تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است

این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها سازمان‌های حقوق بشر در کنار سردمداران کشورهای غربی به رهبری آمریکا یکصد «در کنار تنها دموکراسی خاورمیانه ایستاده‌اند» و همگی دست در دست هم ذات حقیقی و واقعی لیبرال دموکراسی را به مردم دنیا نشان می‌دهند. آنها تأکید می‌کنند که صهیونیست‌ها حق کشتار فلسطینیان را دارند و اگر سکی هم از سر نمایش به تأسف، تکان می‌دهند در پشت پرده به آنها تجهیزات و امکانات می‌رسانند.

قوی‌ترین زبان استدلال، خنجر یعنی هاست

اما برای شکستن این سکوت و این حمایت برآمده از منافع مادی چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد که این سکوت شکسته نخواهد شد مگر اینکه با زبان، روش و منش خودشان با ایشان صحبت کنیم، چرا که امیرالمؤمنین می‌فرماید: «و لا یزکر الحق الا باللسان» یعنی سنگ را از جایی که به‌سوی تو آمده است به همان جا بگردان، زیرا بدی جز با بدی دفع نمی‌شود.» پس تا زمانی که نشود هیچ استدلالی صهیونیست‌ها، محققان و حامیان‌شان را نسبت به آتش‌پس در مرحله اول و خروج از سرزمین‌های اشغالی در مرحله بعد مجاب نخواهد کرد و دقیقاً به همین دلیل است که در این روزها قوی‌ترین زبان استدلال، خنجر یعنی هاست. حوئی‌ها نقطه بحرانی گفت‌وگو را به درستی پیدا کرده‌اند و به آن اشاره‌ای مستقیم و انفجاری می‌کنند: زبانی واقعی و اصیل که خارج از آگاهی‌ها و دلبازمان‌های مطالعات سیاست‌استعماری حقیقت را یافته و مانند آن روشنفکر فرانکفورتی در لحظه حساس تاریخ انسانیت، مسیر را کم نکرده است.

پس از یمنی‌ها، مردمانی هستند که اگرچه از دایره قدرت و اهل سیاست بیرون‌اند اما بسیار برنده‌های معروف اسرائیلی مانند کواکولا، زارا، استرایاکس و... از راه ضرر زدن مادی به کمک اهالی غزه آمده‌اند. بله، تنها راه حقیقی گفت‌وگو با صهیونیست‌ها «مقاومت» است و بس.

تنها راه مقابله با صهیونیسم مقاومت عملی است نه گفت‌وگو

حال که معلوم شد ما باور به «مذاکره» بر سر دستپاچی به حقوق اولیه نداریم و آن را موضعی غیراخلاقی و غیرانسانی می‌دانیم لازم است که دو نکته را یادآوری کنیم: اول) چیزی به نام «حقوق اولیه اساسی» وجود دارد و ما نباید این سیستم که مدام در مورد اصل و اساس چنین حقوقی سخن بگوییم. چون اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است این حقیقت را به همه جهان و همه نسل‌های بعدی برسانیم که صهیونیست‌ها مهاجرانی بودند که به خاطر بردفتری کشورهای غربی از اروپا به سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا در قامت پناهنده و پناهجو و سپس به عنوان غاصبانی که خانه‌ها و محله‌ها را یک به یک با زور اسلحه و ارباب دزدیدن. این تکرار و یادآوری باید آتقدر بر تکرار باشد که با تغییر نسل به فراموشی سپرده نشود. این همان کاری است که مورخان پساصهیونیستی مانند ایلان پایه و شمولو زند انجام می‌دهند. تنها مقابله با صهیونیسم مقاومت عملی است نه گفت‌وگو بر سر گرفتن حقوق اولیه فلسطینیان.

سرمقاله شماره سوم دو ماهنامه

الهیات و دین پژوهی باور

اسرائیل: تهدیدی برای کل بشریت

آن اتفاقی که امروز در فلسطین در حال وقوع است، تهدید تمام پایه‌های گفت‌وگو و حیات است و دقیقاً به همین دلیل است که به‌هیچ‌وجه محل چانه‌زنی نیست. اینها مستلزم نماندن طرفین است. درحالی که هر گفت‌وگویی فرع بر مفروضی است. مشارکت در گفت‌وگویی که لازمه‌اش سلب انسانیت از دو میلیون انسان اهل غزه است با هیچ‌کدام از معیارهای اخلاقی نمی‌خواند. می‌گویند شیخ ابوالحسن خرقانی بر سر در خانقاه خود نوشته بود: «هر کس که در دین سر را درآید نانش دهد» و از امانت‌ش می‌رسید، چه آن کس که به درگاه برای تعالی به جان آرد، البته بر خوان ابوالحسن به نان آرزو»، اما چه باید کرد که در نگاه صهیونیست‌ها آن کس که به درگاه الهی به جان آرزیده به همین دلیل است که بی‌اوقات لاینت وزیر جنگ رژیم صهیونیستی بدون هیچ شرم و خجالتی در کنفرانس ویژه خبری می‌گوید: «بقر، غذا و سوخت وجود نخواهد داشت، همه چیز بسته است، زیرا ما در حال مبارزه با حیواناتی انسان‌نما هستیم و بر اساس آن عمل می‌کنیم.»

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

بشر

۱۹۸۳

سال

نکته مهم آن است که بدانیم این نه اولین سکوت جوامع بین‌المللی است و به احتمال زیاد نه آخرینش. به عنوان مثال، در سال ۱۹۸۳ مقرر شد ادوارد سعید به عنوان مشاور سازمان ملل کنفرانسی جهانی برای رسیدگی به مسأله فلسطین برگزار کند.

+

این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌شان تأمین امنیت، سرپناه، غذا و... برای مردم و به خصوص کودکان جنگ‌زده است برای مردم دنیا واضح گردید که نظام فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست اگر سخنان صهیونیسم متناستاز کند و قصد فرارقتن از سرزمین فلسطین را داشته باشد، آنگونه که برخی از خام‌های صهیونیست امر بدیهی نیز از سوی متفکران دست‌نشانده‌شان چگونه به محل چالش و شک و شبهه تبدیل خواهد شد و این وظیفه‌ماست که با تکرار مکرر این اصول، غیرقابل فسخ بودن آنها را بیان و حفظ کنیم. دوم (تاکید بر کندوگوهایی پژوهشی و با مقاومت برفود که از مقابل خط بهره‌مند هستند بر سمت دیگر ماجرا چرپیده است و اجازه دهید یابان این آزمون را اعلام کنیم؛ بله، لیبرال دموکراسی امریکایی و تمام ملزوماتش مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر آن روی سکه جنگ طلبی سرزمین فلسطینیان آمدند؛ ابتدا امروزی درآمد‌اند و تنها وظیفه‌شان تأمین امنیت، آسایش و رفاه انسان چشم‌آبی و موبلوند غربی است. این روزها به برکت عملکرد نهادهای حقوق بشری در غزه که وظیفه‌